

الزامات کلامی پژوهش میان‌رشته‌ای در قرآن با تکیه بر سطوح معرفت‌شناسی، اصطلاح‌شناسی و روش‌شناسی

حسین شجاعی^۱، عباس مصلائی‌پور^۲، سجاد اسدبگی^۳
دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۰؛ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۹

چکیده

متن الهی قرآن کریم و رابطه مستقیم آن با عقاید مسلمانان از جمله عناصر مؤثری محسوب می‌شوند که باعث پدید آمدن نوعی انحصارگرایی صنفی در زمینه انجام تحقیقات قرآنی توسط عالمان دین در سنت قرآن‌پژوهی مسلمانان شده است. همین مسئله باعث نوعی کنترل در مواجهه با قرآن شده بود و به همین دلیل نتایج به دست آمده در این نوع تحقیقات نیز عمدتاً منطبق با مبانی و جهان‌بینی اسلامی بود، زیرا محقق قرآن‌پژوه از شناخت کامل و کافی در زمینه اسلام، کلام اسلامی و همچنین قرآن برخوردار بود. لکن با تغییر و تحولاتی که امروزه در حوزه توسعه علوم، پژوهش، گرایش به مطالعات میان‌رشته‌ای و همچنین دوری از انحصارگرایی علمی پدید آمده است، پژوهشگران مختلفی به تحقیق در حوزه قرآن اقدام می‌کنند. در این میان با توجه به گریزناپذیر بودن این فضا از یک سو و همچنین حساسیت پژوهش در قرآن و لزوم جلوگیری از آثار سوء و اشتباهاتی که امکان پیش آمد آنها وجود دارد، تدوین الزامات کلامی پژوهش‌های قرآنی در حوزه‌های مختلف پژوهشی و تحقیقی ضروری به نظر می‌رسد. مقاله پیش‌رو با تمرکز بر الزامات کلامی پژوهش میان‌رشته‌ای در زمینه قرآن کریم و استفاده از روش کتابخانه‌ای، به دنبال معرفی عناصر قابل تأمل و الزامات این گونه پژوهشی در سه سطح معرفت‌شناسی، اصطلاح‌شناسی و روش‌شناسی می‌باشد تا با ایجاد خط سیر تحقیق صحیح، نگرانی‌های مربوط به نتایج به دست آمده از این نوع تحقیقات را کاهش دهد. کلیدواژه: الزامات کلامی پژوهش قرآنی، مطالعات میان‌رشته‌ای، معرفت‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، روش‌شناسی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (نویسنده مسئول).
shojaehosein030@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
s.asadbeygi@yahoo.com

مقدمه

با جریان‌شناسی سیر علم از ابتدای تاریخ تا کنون، به خوبی می‌توان دریافت که دانش، مسیری پرفرازونشیب را پشت سر نهاده است (سارتون، ۱۳۴۶؛ ارنان، ۱۳۶۶؛ بیر، ۱۳۷۱). در هر دوره بنا بر تلقی متفاوت دانشمندان از موضوعات پیرامونی، شاهد گرایش حداکثری به برخی از رویکردها بوده‌ایم؛ در دورانی با تکیه بر بعد تخصص‌گرایی علوم، هر علم به مثابه جزیره‌ای پنداشته می‌شد که نمی‌توانست هیچ ارتباطی با سایر علوم داشته باشد، بلکه همواره مسائل مربوط به یک علم می‌بایست از درون خودش حل می‌شد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۷: ۳)؛ به همین سبب مرزی قاطع میان همه علوم کشیده شده بود و از ورود عالمان غیرمتخصص به قلمرو یک علم جلوگیری می‌شد. اما امروزه با توجه به تجربه‌های ناخوشایند بشر از این سنخ گرایش‌ها و به سبب سرخوردگی رویکردهای انحصارطلبانه، مطالعات میان‌رشته‌ای، توجه عالمان را به خود جلب کرده است (کاسترونوو، ۱۳۸۷: ۴۱۵-۴۱۴). با داشتن رویکرد کثرت‌گرایانه به همه مشرب‌ها و شاخه‌های معرفتی می‌توان رهیافتی ژرف‌نگر و جامع‌گرا به دست آورد (قراملکی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). مطالعه میان‌رشته‌ای، تحلیل مسئله‌ای واحد در پرتو رشته‌ها و دانش‌های گوناگون است (اس، ۱۳۸۷: ۱۵)؛ با توجه به اینکه افق‌های مختلفی با این نگرش قابل دریافت است، رویارویی میان‌رشته‌ای با مسائل و موضوعات دانش‌های مختلف، ضروری به نظر می‌رسد. پژوهشگران این شاخه مطالعاتی معتقدند، اخذ یک رویکرد و فرو نهادن رویکردهای دیگر در بررسی مسائل و موضوعات مشترک، تنها بعدی از یک پدیدار را نشان می‌دهد، در حالی که با داشتن رویکرد میان‌رشته‌ای، ضعف و قوت هر رویکرد معلوم می‌شود و شعاع کشف و توان برهان و حجت آن روشن می‌گردد. لذا اگر هر دانشمندی با حصر توجه به روش‌ها، مبانی و رهیافت‌های موجود در دانش خود به تحلیل مسائل پرداخته و رهاوردهای دیگر حوزه‌های معرفتی را بی‌حاصل بخواند، در این صورت خود را از توجه به مباحث سایر علوم در همان زمینه محروم کرده است؛ علاوه بر این، حصرگرایی و مواجهه انکاری هر علمی با دیگر علوم به تدریج به درون گستره آن علم نیز سرایت می‌کند و در نتیجه نزاع بین اندیشه‌های مختلف موجب تعصب نسبت به عقاید می‌شود (فتح‌الهی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۲).

جاذبه فراوانی که امروزه مطالعات میان‌رشته‌ای دارند، توجه بسیاری از قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده است؛ به همین دلیل گستره فراوانی از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی که به ویژه در سال‌های اخیر نوشته می‌شوند، چنین رویکردی را مبنای کار خویش قرار داده‌اند و حتی نشریاتی



همچون پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم^۱ و نشریه قرآن و علم^۲ به صورت تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کنند. این امر در حالی است که دیدگاه سنتی حاکم بر مطالعات دینی، نگاهی کاملاً مثبت به این‌گونه پژوهش‌ها نداشته و با اشاره به معیار لزوم حجیت دینی، این‌گونه رویکردها را قابل تأمل می‌دانند. به هر روی جلوگیری از مشکلاتی که ممکن است در این مسیر رخ دهند، لزوم تبیین الزامات کلامی از پیش تعیین شده این گستره‌ها در مطالعات دینی را می‌طلبد؛ از این رو نویسندگان مقاله پیش‌رو در کنار نظر به پیشینه آثار این حوزه در بعد نظری که مهم‌ترین آنها توسط محمدعلی رضائی اصفهانی، ابراهیم فتح‌الهی و قاسم درزی نگاشته شده‌اند (منابع همین مقاله) و با توجه به محدود بودن مطالعات در مورد بررسی آسیب‌های پیش‌روی این تحقیقات، به دنبال بیان الزامات کلامی مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه قرآن است.

۱. دلایل ضرورت تدوین الزامات کلامی پژوهش در مطالعات میان‌رشته‌ای مرتبط با قرآن

مطالعات میان‌رشته‌ای همچون بسیاری از رویکردهای علمی، از برخی آثار مثبت و منفی برخوردار می‌باشند؛ از این رو نه یک سره می‌توان تمام نتایج حاصل از این تحقیقات را مثبت دانست و نه امکان سلب کلی آن وجود دارد. در صورتی که یک مطالعه میان‌رشته‌ای با ضوابط علمی و مبتنی بر الزامات تعیین شده در مطالعات قرآنی مسیر خویش را پیش ببرد، منشأ اثرات بسیاری خواهد بود که از جمله آنها می‌توان به مواردی چون فهم بهتر آیات قرآن، امکان تفسیر قرآن مبتنی بر مسائل روز، پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای نوین، نظریه‌پردازی‌های علمی در حوزه‌هایی همچون علوم انسانی و همچنین اثبات اعجاز قرآن کریم اشاره کرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۷). در صورتی که این ضوابط اجرا نشوند، آسیب‌هایی نظیر تحمیل نظریه‌های علمی به قرآن، بی‌توجهی به اهداف اساسی دین، قرآن و یا اغراض سوره‌ها و آیات، غفلت از سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات، و تفسیر به‌رأی، پیش خواهد آمد.

استفاده بی‌چون‌وچرا از هر علمی تنها به دلیل برخورداری از قید علمی بودن، نوعی ساده‌انگاری است، زیرا هر دانشی برخاسته از پیش‌فرض‌ها و جهان‌بینی‌های خاصی است که

۱. این نشریه زیر نظر مرکز فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور در جهاد دانشگاهی می‌باشد و نخستین شماره آن در زمستان ۱۳۸۷ با رتبه علمی - تخصصی چاپ و منتشر شده است.

۲. این نشریه با مدیریت حجت‌الاسلام محمدعلی رضائی اصفهانی کار خود را از زمستان سال ۱۳۸۶ شروع کرده است و هم‌اکنون دارای رتبه علمی - ترویجی است.





در آن تولید شده است (فغفور مغربی، ۱۳۸۶: ۴۴). این جهان‌بینی، هدایت‌بخش محققان آن شاخه علمی در دستیابی به نتایج مطلوب است (میرباقری، ۱۳۸۷: ۳۰-۲۵)؛ به همین دلیل تمام فرآورده‌های علمی آن در چارچوب خاص آن علم و بسترهای مخصوص به آن قابل تحلیل است (ایمان و ساداتی، ۱۳۸۹: ۷). برای مثال، سکولاریسم که یک نوع جهان‌بینی غالب در دنیای غرب محسوب می‌شود (قیطوری، ۱۳۸۲: ۱۶۲) مبتنی بر بنیادهایی چون اومانیزم، فردگرایی^۱، عقل‌گرایی^۲، آزادی^۳، علم‌محوری، سنت‌گریزی و ماشین‌انگاری جهان است (نوروزی، ۱۳۷۶: ۳۳-۲۹). چنان‌که پیدا است بسیاری از بنیان‌های فکری این اندیشه در نزد دانشمندان جهان اسلام منافی ارزش‌های الهی تلقی شده است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۱). طبیعی است که از دل این اندیشه و جهان‌بینی خاص و به تاسی از این نگره‌بینشی، بسیاری از دانشمندان اقدام به ارائه نظریات و یا تبیین روش‌های خاص در علوم انسانی کرده‌اند. حال در صورتی که ما در مطالعه میان‌رشته‌ای خود بدون هیچ‌گونه سلاح و یا ابزار تسویه‌کننده‌ای از بینش و نگرش این دانشمندان استفاده کنیم، طبیعی است که خروجی‌هایی که از دل مطالعات ما بیرون خواهد آمد، هم‌خوانی زیادی با اسلام و تعالیم ناب آن نخواهد داشت. به این شکل، نه تنها پرده‌ای از حقایق قرآنی برای ما برداشته نخواهد شد، بلکه انحرافی کلان و نابخشودنی نیز در آموزه‌های دینی پدید خواهد آمد.

هرچند قرآن کتابی آسمانی محسوب می‌شود، اما این سخن به معنای استفاده بی‌محابا و بدون توجه به ابزار تحلیل آیات نیست، زیرا هر ابزاری که به دنبال تبیین آیات الهی است، باید دارای استانداردهای دینی باشد و در صورت مغایرت با آموزه‌های اسلام، کنار گذاشته شود (صادقی تهرانی، ۱۳۸۶: ۲۸). از این رو با دست خالی و بدون هیچ موضعی نباید از مطالعات میان‌رشته‌ای استفاده کرد و بایستی با مرزگذاری‌های سنجیده، میزان ورود و سطح قابل استفاده از علوم میان‌رشته‌ای را تعیین کرد. دستیابی به این خواسته در پرتو ترسیم الزاماتی کلامی است که باید به صورت قواعد ثابت شده مورد توجه محققانی که علاقه‌مند به کار در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای هستند، قرار گیرد، که تاکنون با وجود حجم فراوان آثاری که در این زمینه نگاشته شده است، توجه به این الزامات کلامی جایی را به خود اختصاص نداده است. از این رو در ادامه به مهم‌ترین الزاماتی که در این زمینه باید به آنها توجه داشت، پرداخته خواهد شد.

1. Individualism
2. Rationalism
3. Liberalism

۲. معرفی الزامات کلامی پژوهش میان‌رشته‌ای در قرآن

مهم‌ترین ادعایی که در مطالعات میان‌رشته‌ای توسط دانشمندان آن مطرح می‌شود، دور بودن از یک سونگری و انحصارگرایی علمی است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۷: ۵۷). تبلور این اندیشه در مطالعات قرآنی، به معنای تبیین یک مسئله از زوایای مختلف است که فهمی جامع در انگاره‌های قرآنی را ایجاد کند؛ برای مثال علم تاریخ به عنوان یک میان‌رشته کمک می‌کند تا در کنار گفته‌های قرآن در مورد امت‌ها و ملت‌های پیشین، با تکیه بر علوم همچون باستان‌شناسی، نمود عینی و سطوح جغرافیایی حوادث را به درستی تبیین کند تا شناختی جامع نسبت به قصه‌های قرآن فراهم شده و سطح اطلاعات بشر از آنچه در قرآن ذکر شده است، فراتر رفته و وجوه حقیقی بودن گزارش‌های قرآنی اثبات شود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۱). لکن پیش‌نیازی که به موجب آن اطمینان و اعتباربخشی لازم به نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیقات صورت می‌پذیرد، مبتنی بر سه اصل کلی است تا توافقی دوجانبه میان هر دو طرف قضیه، یعنی قرآن و علمی که به عنوان میان‌رشته وظیفه تبیین مسئله‌ای قرآنی را دارد، حاصل شود. اصل کلی حاکم بر این سه پایه، انعطاف‌ناپذیری معرفتی قرآن به عنوان کلام الهی در برابر این علوم است؛ زیرا قرآن به عنوان منبعی اعتقادی تنها در صورتی می‌تواند اصالت‌های خویش را حفظ کند که پاسدار عقاید خویش باشد؛ به همین دلیل هر اندیشه‌ای که به دنبال بشری جلوه دادن قرآن و تبیین آن به عنوان پدیده‌ای بشری و نه الهی باشد، و از این دیدگاه به حقایق و مطالب موجود در آن بنگرد، محکوم است (طباطبایی، ۱۴۱۱: ۵۹-۵۸). اصولی که در ادامه ذکر می‌شوند، در حقیقت نقشه راهی هستند که ابعاد مربوط به حوزه الزامات کلامی یک تحقیق میان‌رشته‌ای در حوزه قرآن را پوشش می‌دهند و منشأ اساسی تدوین آن نیز برگرفته از انگاره‌های کلامی مسلمانان است. این اصول عبارتند از: ۱. شناخت صحیح و حقیقی قرآن و توجه به ابعاد معنوی آن؛ ۲. بومی‌سازی ادبیات علمی در قالب ادبیات مورد استفاده در جهان اسلام و سنت مسلمانان برای شفاف‌سازی مفاهیم؛ ۳. تبیین شیوه دستیابی به نتایج مورد نظر پیش از اجرای تحقیق و همچنین رعایت الزامات عام مربوط به انجام پژوهش.

این اصول به طور مختصر عبارتند از: تبیین الزامات کلامی در سه ساحت معرفت‌شناسی^۱، نظام اصطلاحات^۲ و روش‌شناسی^۳.

1. Epistemology
2. Terminology
3. Methodology





ضروری به نظر می‌رسد که در هر مطالعه میان‌رشته‌ای، موارد یادشده با رعایت ترتیب مورد سنجش و اجرا قرار گیرند؛ علاوه بر این، باید بومی شدن هر کدام از ساختارهای علمی پیش از اجرای عملیاتی روش‌ها، و در بخش نظام اصطلاحات محقق شود، زیرا شایسته نیست که شاخه‌های علوم میان‌رشته‌ای که به‌عنوان علمی خادم در قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرند، برخلاف آنکه باعث ایجاد همگرایی لفظی شوند، موجب تغییر هویت علوم اسلامی و ادبیات حاکم بر آن گردند. در ادامه به ابعاد قابل پوشش در هرکدام از موارد اشاره می‌شود.

۲-۱. الزامات معرفت‌شناختی

منظور از ساحت معرفت‌شناختی، ابعاد نگرش دینی و اعتقادی مسلمانان به قرآن است. قرآن کتابی آسمانی است که از سوی خداوند متعال به‌عنوان معجزه ختم نبوت، بر پیامبر بزرگ اسلام ﷺ نازل شده است و بدون اینکه در آن تحریفی صورت گیرد، به همان شکلی که بر پیامبر ﷺ نازل شد، به مردم رسیده است و خداوند عهده‌دار آن شده است که جلوی هرگونه تحریف در آن گرفته شود. الهی و آسمانی بودن، معجزه بودن، خطاناپذیری، تحریف نشدن، ذوب‌توان و جاودان بودن، ویژگی‌های کلانی هستند که لازم است در هر نوع تحقیق، اعم از مطالعات میان‌رشته‌ای و غیر آن، که مرتبط با قرآن هستند، لحاظ شوند.

۱-۲. الهی بودن منشأ و الفاظ قرآن

هر پژوهشی مبتنی بر یک سری از پیش‌فرض‌ها است و محقق، نظر به باوری که به موضوع دارد، روند تحقیق خویش را سامان می‌دهد. به همین سبب، زمانی که قرآن به‌عنوان منبع تحقیق قرار گیرد، نوع نگرش و اعتقاد محقق به این کتاب در جهت دهی نتایج حاصل از تحقیق وی تأثیری مستقیم خواهد داشت. در این میان، عمدتاً دو نگاه مخالف در حوزه منشأ قرآن وجود دارد که در یکی از آنها صدور قرآن از سوی خداوند متعال به‌عنوان امری مسلم است که حتی الفاظ آن نیز بدون هیچ کم‌وکاستی همان‌گونه که خداوند متعال اراده کرده است، به ما انتقال یافته است. اما در نگاه دیگر، منشأ الهی وحی با دیده تردید نگریسته می‌شود. باور به هرکدام از مواردی که ذکر شد، نتایجی را ایجاد می‌کند که هرکدام از آنها با دیگری متفاوت خواهد بود. این درحالی است که طبق دلایلی متقن، می‌توان اثبات کرد که قرآن، کلامی الهی است که حتی الفاظ آن از سوی خداوند متعال است (سیوطی، ج ۱، ۱۴۲۱ق: ۱۶۷) و اساساً همین ویژگی منحصر به فرد کلام الهی^۲

۱. آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر/۹) بر صیانت قرآن توسط خدا دلالت می‌کند.

۲. «وَإِنْ أَخَذَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اشْتَجَارَكَ فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ (التوبه/۶)».

است که موجب شده است به عنوان معجزه رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تلقی شود (خوئی، بی تا: ۴۳). به این ترتیب وحی، پایه شناخت کلام خدا است (معرفت، ۱۳۸۲: ۷)، زیرا از این طریق مجرای تکلم خدا با بشر محقق می شود. وجود آیاتی که در آنها حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخاطب آیات قرار گرفته است^۲ و امر به تلاوت و قرائت قرآن شده اند^۳، به زبان عربی روان بودن برای قرآن^۴ و همچنین نهی از عجله در قرائت و امر به پیروی از تلاوت جبرئیل^۵ از جمله شواهد قرآنی است که این ادعا را اثبات می کند.

اما همان گونه که بیان شد، در آن سوی دیگر، برخی از اندیشه ها وجود دارد که مبتنی بر آن، قرآن و الفاظش به مثابه اموری بشری تلقی شده اند (شبستری، ۱۳۸۱: ۷۴). در این سنخ از تفکرات با توجه به اینکه جایگاهی بشری برای قرآن در نظر گرفته می شود، آیات این کتاب آسمانی به مثابه القائاتی ربوبی تلقی می شوند که به وجه املا بر پیامبر نازل شده و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز درک خود از این حقایق را اعلام می کند. در صورتی که قرآن از این منظر مورد توجه قرار گیرد، علاوه بر آنکه در اصالت آموزه هایش تردید وارد می شود، جامعه دینی را نیز به نوعی اباحی گرای و نسبی گرای رهنمون می شود (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۴۰۰)، زیرا بنا بر این دیدگاه، قرآن محصول هزار و چهارصد سال پیش و بر طرف کننده نیازهای آن دوران است و امروزه هیچ نوع نیازی را نمی تواند بر طرف کند؛ حال آنکه قرآن، کتابی است که برای هدایت بشریت از زمان حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا پایان دنیا نازل شده است و لزوم پیروی از آموزه های الهی قرآن برای رسیدن به زندگی سعادت بخش، امری حتمی است (زرقانی، بی تا: ۴۷۵-۴۷۴).

الهی بودن منشأ قرآن از این حیث در زمره الزامات قرار می گیرد که برخی از پژوهش های میان رشته ای درباره قرآن کریم که در کشور ما انجام می شود، در حقیقت ادامه دهنده برخی از تحقیقات غربی است. عدم شناخت صحیح اسلام و قرآن از سوی برخی از محققان غربی باعث شده است که ایشان قرآن را بر ساخته پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدانند و شؤون الهی آن را در نظر نگیرند (رضوان،

۱. وَمَا كَانَ لَيْسَرَ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٍ (الشورى / ۵۱).
 ۲. آیاتی که از عباراتی همچون «یا ایها الرسول» استفاده می شود از این قبیل هستند (برای نمونه ن. ک: المائده / ۴۱؛ المائده / ۶۷).

۳. ... وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (المزمل / ۴).

۴. وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنْهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ (النحل / ۱۰۳)

۵. لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (القيامة / ۱۸، ۱۷، ۱۶)





۱۴۱۳ق). به همین دلیل نیز روشی که در پیش می‌گیرند، با چنین پیش‌فرض‌هایی سازگار است و چه بسا نتایجی که از این‌گونه تحقیقات به دست می‌آید در راستای تأیید گفتار این باور ناصحیح است؛ از این‌رو محقق قرآن‌پژوه باید تمام دقت‌های لازم در حوزه اعتقاد به الهی بودن قرآن را مدنظر قرار داده و بی‌محابا و بدون تأمل راهی که محققان مغرض غربی - و نه همه آنها - طی کرده‌اند، را ادامه ندهد، زیرا این روند، علاوه بر اینکه به نتایجی اشتباه منجر خواهد شد، پیامدهای جبران‌ناپذیری را بر پیکره اعتقادات دینی وارد می‌سازد.

۲-۱-۲. تحریف‌ناپذیری قرآن در دریافت و ابلاغ

به‌رغم اشتراک‌ها، تفاوت‌های فراوانی نیز میان نظرات دین اسلام با سایر ادیان در زمینه ویژگی‌های کتاب مقدس وجود دارد (سبزواری، ۱۴۰۶ق: ۹-۷؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۷۵-۴۷۴؛ هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۹۵-۱۹۰). یهودیت و مسیحیت مبتنی بر آموزه‌هایی که از تورات و انجیل کسب کرده‌اند، نبی و وحی فرستاده شده برای وی را دارای ویژگی‌هایی خاص و متفاوت با اسلام معرفی می‌کنند (نعمتی پیرعلی، ۱۳۹۱؛ کاوه، ۱۳۸۹)، اما از نظر قرآن، نبوت موهبتی الهی است و گرفتن وحی مشروط به یک سلسله شرایط خاص است که عصمت در دریافت پیام الهی و حفظ و ابلاغ آن و همین‌طور عصمت در رفتار فردی و وظیفه عبودیت پروردگار به حکم عقل و شرع، اساسی‌ترین آنها محسوب می‌شوند (عسکری، ۱۳۸۲: ۳۱۲-۳۱۱).

ابلاغ وحی تشریحی از مهم‌ترین رسالت‌های انبیا محسوب می‌شود و هرانسانی نمی‌تواند به شکل مستقیم مخاطب و گیرنده آیات الهی باشد (سبحانی، ۱۳۸۷: ۳۰۰-۲۹۸). خداوند متعال با علم ذاتی خویش به این مسئله از میان انسان‌ها فردی که شایسته دریافت این پیام الهی باشد را برمی‌گزیند؛ این فرد بایستی واجد کامل‌ترین استعدادهای انسانی باشد و ظرفیت وجودی و توانایی تجلی علم الهی و وحیانی را داشته و با بهره‌مندی از درک عمیق و اراده استوار خویش مؤید به تأییدی خاص و الهی به نام عصمت باشد، زیرا در غیر این صورت، هدف بعثت و رسالت و در پی آنها، غرض از آفرینش انسان تأمین نخواهد شد. از این رو پیدایش مختصرترین انحراف در گیرنده اصلی، موجب راهیابی خطا در حقایق خواهد بود (سعیدی روشن، ۱۳۷۹: ۶۸). بنابراین برهان عقلی حکمت و رحمت الهی که اثبات‌کننده اصل وحی تشریحی و بعثت

۱. یکی از آیاتی که بر منتخب بودن پیامبر ﷺ از جانب خدا اشاره دارد عبارت است از: وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (الانعام / ۱۲۴).

است، مقتضی صیانت آن از مبدأ نزول تا مقصد نهایی نیز می‌باشد؛ پس هرچه در قرآن آمده است، حق است و خطا و اشتباه در آن راه ندارد (جعفریان و شریفی، ۱۳۸۲: ۱۷)، زیرا به‌طور مستقیم از سوی خدا آمده و هیچ خطایی در دریافت و ابلاغ آن صورت نگرفته است (سعیدی روشن، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۷).

۱-۲. ذوبطون بودن قرآن

هرچند در قرآن کریم آیه‌ای که به‌شکل مستقیم به ذوبطون بودن قرآن اشاره کند وجود ندارد، اما به تصریح روایات، قرآن دارای ظاهر و باطن است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۴۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲۵۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۵). با این فرض باید گفت که زبان قرآن، زبانی دولایه است (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۱۱۰) که زبانی در ظاهر و زبانی در باطن دارد؛ زبان ظاهر قرآن، ناطق و زبان باطن آن، صامت است (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۳، ۱۸۲). در این سو ظاهر قرآن برای همه قابل درک است و در سوی دیگر، باطن قرآن بر همه قابل کشف نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۷۶). این باطن با تدبیر آیات الهی، تزکیه نفس و طهارت قلب و همچنین تکامل خرد بشری به‌دست می‌آید. در کنار روایاتی که به‌صراحت به ذوبطون بودن قرآن اشاره می‌کنند، برخی از آیات قرآن به‌طور غیرمستقیم بر وجود بطن مصداقی دلالت دارند.^۱ درباره بطن معنایی قرآن، در هیچ آیه‌ای واژه بطن یا باطن به‌کار نرفته و ویژگی‌های آن نیز مطرح نشده است؛ ولی شواهدی از آیات وجود دارد که با توجه به آن می‌توان لایه‌های مختلفی از معنا برای قرآن در نظر گرفت. علامه طباطبایی معتقد است، براساس برداشتی که از آیات قرآن می‌توان به‌دست آورد، انسان‌ها به‌لحاظ درجات قربشان به خدا، مراتب مختلفی از علم و عمل دارند. لازمه این تفاوت درجه، آن است که فهم آنان از آیات قرآن نیز متفاوت و دارای درجات باشد (طباطبایی، ۱۴۱۱ق: ۶۶). خداوند گروه‌های مختلفی از بندگانش را ذکر کرده و به هر گروه، شناخت ویژه‌ای نسبت داده است و همین نشان می‌دهد که معانی عمیقی از قرآن وجود دارد که عامه راهی به فهم آن ندارند. سر آنکه قرآن همه مطالب خود را به‌صورت ظاهر بیان نکرده و

۱. پیرامون صیانت قرآن از جانب خدا می‌توان به آیه‌ای که در ادامه می‌آید اشاره کرد: *عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتٍ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا* (الجن/ ۲۸، ۲۷، ۲۶).

۲. مجموعه آیاتی که دعوت به تفکر، تدبر و تعقل می‌کنند (برای نمونه رک. النساء/ ۷۸ و ۸۲؛ محمد/ ۲۴) و یا آیاتی که اشاره به جاودانگی و جهانی بودن قرآن دارند (برای نمونه رک. الانعام/ ۹۰؛ الکهف/ ۵۴؛ البقره/ ۱۸۵) از این قبیل مصداقی محسوب می‌شوند.



بسیاری از حقایق را به زبان بطن مطرح کرده، آن است که همه حقایق برای همگان قابل هضم و درک نیست (دامن پاک مقدم، ۱۳۸۰: ۴۴) و چه بسا آوردن آن، سبب گمراهی توده مردم می شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۷۰).

ظهر و بطن قرآن متناسب با مراتب مختلف عالم است و در واقع ظهورات مختلف قرآن در عوالم، مختلف است. ظاهرترین وجه و ظهور قرآن که همه مردم می توانند از آن بهره مند شوند، همان مرحله تفصیل و به لفظ درآمدن و مکتوب شدن قرآن است که ظهور ملکی قرآن کریم می باشد. باطن قرآن در طول این وجه ملکی است. عمیق ترین و ناب ترین باطن قرآن، توحید است که در واقع مرحله احکام قرآن است (طباطبایی، ۱۴۱۱ق: ۱۳۵). بسیاری از علوم مورد استفاده برای فهم قرآن ناظر بر بعد ملکی آن است و در واقع فهم ظاهر قرآن را تبیین می کند، به ویژه بسیاری از علوم میان رشته ای از جمله انسان شناسی، معناشناسی، نشانه شناسی و مطالعات فرهنگی از این قبیل هستند. به همین دلیل، ضروری است که در مواجهه با قرآن در به کارگیری علوم مختلف هر ساحتی به شکل مجزا و بدون تداخل با بقیه ساحت ها مورد توجه قرار گیرد تا از تقلیل قرآن به یک متن صرف جلوگیری شود.

۲-۱-۴. جاودان بودن قرآن

نظریه های علمی با گذشت زمان تغییر می کنند، بعضی اصلاح و تکمیل می شوند و بعضی دیگر باطل شده و نظریات جدید جایگزین آنها می شوند. این امر نشان دهنده آن است که نظریه های پیشین ناقص بوده و حقیقت را به صورت کامل و تمام دریافت نکرده اند. لذا با گذشت زمان و کشف ابعاد جدیدی از حقیقت، نظریه کامل تر و اصلاح شده و یا نظریه ای جدید و یا متناسب با اقتضای زمان به دست می آید (رجبی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۱).

قرآن کریم شامل برنامه کامل هدایت و غایت انسان است و هرچه انسان در راه رسیدن به کمال خود نیاز دارد، اعم از جهان بینی و اعتقاد، و عمل و اخلاقی که از آن نشئت می گیرد را به صورت مشروح بیان می کند. لازم به ذکر است که چنین کتابی محصور در عصری خاص و یا فرهنگ قومی مشخص نیست (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۴۷)؛ علاوه بر این، آیاتی از قرآن، نیز دال بر این است که قرآن کتابی جهانی و برای نوع بشر است، و لودر زمانی خاص و به زبان قومی خاص نازل شده باشد (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۱۴۴).



فصلنامه علمی - پژوهشی

۳۰

دوره هفتم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۴

بیانی که نسبت به یک مقصد و مطلب به صورت مطلق و تام و کامل باشد، اعتبار و صحتش، محدود به وقت و زمانی معین نخواهد بود. در این میان قرآن، کتابی است که بیانش تام و کامل است؛ نه باطل است که حق جای آن را بگیرد^۱، نه خلط حق و باطل است که با گذشت زمان بطلان آن مشخص شود و از حق جدا گردد، و نه قسمتی از حق است که احتیاج به تکمیل داشته باشد و نه اینکه حقی است که از یک زاویه بیان شده و مورد تحدید قرار گرفته باشد، بلکه حق محض به شکل کمال و تمامی است که پس از آن چیز دیگری نیست^۲ (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۲۸).

از این رو غلبه نظراتی که به دنبال مواجهه با قرآن همچون برخورد با سایر آثار و نگریستن به آن به مثابه متنی هستند که در دوره‌ای تاریخی کاربرد داشته و برای قومی خاص نازل شده است و بیرون از این ساحت بر آن فایده‌ای مترتب نیست، دارای اشکال است (عبدالرحمن، ۱۹۹۳: ۲۰۷، ۲۲۳ و ۲۲۸؛ ابوزید، ۲۰۰۷: ۲۱۰، ۲۱۳ و ۲۱۵). برخلاف این نظر، باید گفت که امکان برگرفتن و استخراج تمامی نیازهای روز از آن وجود دارد، زیرا در نزول، تمامی زمان‌ها و انسان‌ها در نظر گرفته شده‌اند.

۲-۲. الزامات اصطلاح‌شناختی

آنچه لازم است که در این بخش به آن پرداخته شود، اولاً تبیین کارکرد و فایده اصطلاح‌شناسی در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن است و در ضمن آن، حساسیت‌های کلامی وضع اصطلاحات نیز بایستی مشخص شود، زیرا الفاظ با خود عقبه‌ای از معانی را به همراه دارند و در صورت وضع اصطلاحی ناصواب، امکان بروز خطا، فراوان خواهد شد. ناظر بر بخش نخست، باید گفت اطلاعات و ارتباطات موجود در جهان، از طریق زبان ارائه و مبادله می‌شوند (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷: ۹۵) و بیشتر امکانات بالقوه زبان نیز در جریان انتقال اطلاعات، از طریق تعیین واژه‌ها و اصطلاح‌ها به کار می‌روند. در این میان، اصطلاح‌شناسی به مطالعه علمی اصطلاحات و مفاهیم می‌پردازد. در همه علوم، معانی به وسیله مفاهیم صورت‌بندی می‌شوند و از طریق واژه‌ها یا اصطلاحاتی خاص به دیگران انتقال می‌یابند. برای مثال، اصطلاح «سیاق»^۳ در علوم قرآنی در

۱. یکی از آیاتی که بر این امر دلالت دارد آیه شریفه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (الاسراء/ ۸۱) می‌باشد.

۲. این ادعا مبتنی بر آیات الطارق/ ۱۴؛ الاسراء/ ۱۰۵؛ یونس/ ۳۲؛ فصلت/ ۴۲، ۴۳ می‌باشد که به صورت مطلق قرآن را حق می‌داند و در حدوث و بقای قرآن متصل به حق بوده است و به صورت مطلق باطل را در هر زمانی و از هر جانی از خود دفع می‌کند.

۳. سیاق در لغت به معنای جدا شدن روح از بدن در هنگام مرگ است. اصل آن نیز سیاق بوده که به خاطر کسره سین، واو به یاء تبدیل شده است و مصدری است که از «ساقِ یسوقُ» گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۶۷).





ابتدا و پیش از آنکه لغتی برایش وضع شود، چیزی نبود که ذهن افراد را به خود معطوف کند، بلکه پس از گذر زمان و پرورش مفاهیمی که حاکی از حس تفاوت برخی از آیات یک سوره نسبت به آیات دیگر بود، سلسله‌ای از اصطلاحات برای نشان دادن این تفکیک‌ها وضع شد که «سیاق»، نمونه‌ای از آن الفاظ وضع شده است.

مفهوم، رکن و عنصر اصلی تفکر است و از طریق مجموعه مختصات تشکیل دهنده آن دریافت می‌شود. مجموع مختصاتی که یک مفهوم تبیین می‌کند مفاد یا معنای آن نام دارد. هر مفهوم، عضوی از یک مجموعه یا طبقه‌ای از مفاهیم است که خود نیز می‌تواند تشکیل دهنده طبقه‌ای مشتمل بر مفاهیم دیگر باشد. شناخت مختصات مفاهیم کمک می‌کند که حد و مرزهای مفاهیم و دایره مصادیق آنها را تا حد امکان روشن سازیم، آنها را طبقه‌بندی کنیم، نظام‌های مفهومی گوناگون را بنا نهیم، و از نتایج این فرایند نظری در انتقال دانش و سازمان‌دهی نظام‌های اشاعه اطلاعات بهره گیریم. مفاهیم نه تنها با روش استقرایی و قیاسی، بلکه از تعامل و کنش متقابل و دوجانبه رویدادهای محیطی و ساخت‌های شناختی به دست می‌آیند. ما مفاهیم را به وسیله آزمون و تطابق آنها با واقعیت‌های محیط عمق و وسعت می‌بخشیم و به کمک ابداع مفاهیم و نظام‌های مفهومی و تبیین آنها قادر می‌شویم به شناخت علمی و تعمیق و گسترش دانش خود در جهان بیرونی و درونی نائل آییم. اصطلاح‌شناسی، علمی میان‌رشته‌ای است که موضوع تحقیق آن از سویی به شیء و مفهوم، شیوه نام‌گذاری مفاهیم و از سوی دیگر، به سازمان‌دهی مفاهیم یک رشته تخصصی به شکل نظام‌مند و کاربرد آنها در زمینه‌های گوناگون علمی مرتبط است. بنابراین سازمان‌دهی دانش فنی و سامان‌دهی مفاهیم، یکی از مهم‌ترین مباحث اصطلاح‌شناسی محسوب می‌شود. به منظور ترسیم نظام‌مند دانش ساختمان‌دهی مطالعه میان‌رشته‌ای، باید نظام مفاهیم زیررشته‌های مرتبط با آن را در یک ساختار کلی تلفیق و روابط میان آنها را ایجاد کرد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۲۲).

همان‌گونه که در بخش پیشین ملاحظه شد، عمده توجه در بخش الزامات معرفت‌شناختی ناظر بر تفهیم و تفهم ابعاد الوهی قرآن کریم بود، اما در این بخش، ایجاد زبان مشترک و همچنین

سیاق در اصطلاح عبارت است از همه قراین لفظیه مانند کلماتی که با الفاظ مورد بحث، یک کلام به هم مرتبط را می‌سازند یا حالیه چون شرایط و فضای محیط بر کلام که دارای دلالتی در موضوع هستند (صدر، ۱۹۷۸: ۱۳۰). با دقت در تعریف شهید صدر، مشخص می‌شود که این تعریف به اندازه‌ای گسترده است که شامل تمام قرائن پیوسته می‌شود، در صورتی که موارد استعمال این واژه در آثار دانشمندان، با این تعریف گسترده سازگار نیست؛ زیرا سیاق در بیان آنان یکی از قریبه‌های پیوسته لفظی است. بنابراین می‌توان گفت سیاق در تعریف دانشمندان عبارتست از: «ساختاری کلی که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آنها اثر می‌گذارد» (رجبی، ۱۳۸۳: ۹۲).

ایجاد تلقی واحد از نظام اصطلاحات، اولویت پیدا می‌کند؛ علاوه بر اینکه واژگانی که در مطالعه میان رشته‌ای به کار گرفته می‌شود، نباید متعارض با ابعاد کلامی اعتقاد به قرآن باشد. رسیدن به زبان مشترک با در نظر گرفتن حس متقابل و حساسیت‌های کلامی معطوف به متن قرآن، مهم‌ترین سطحی است که در یک مطالعه میان رشته‌ای باید مدنظر قرار گیرد. هر علمی ادبیات خاص و منحصر به فرد خویش را دارد که از آن برای ارائه موضوعات و مسائل مرتبط با خود استفاده می‌کند؛ هنگامی که در حوزه‌ای که دو علم قصد همکاری میان رشته‌ای با یکدیگر را دارند، هم‌زبانی ایجاد نشود، برقراری ارتباط علمی بسیار سخت و تا حدی غیرممکن می‌شود (فلبر، ۱۳۸۳: ۱۹۹) و باعث ایجاد مشکلاتی همچون سوء تفاهم، فقدان درک متقابل، ارائه نتایج دور از انتظار و بی‌اعتمادی می‌گردد.

برای مثال، در صورتی که مطالعه‌ای میان رشته‌ای میان علم فقه و منطق در مورد صدق و کذب انجام شود، تعریف مشترک و زاویه‌ای که از آن دیدگاه به دنبال تحلیل موضوع هستیم، بایستی مشخص شود؛ زیرا صدق و کذب در هر کدام از این دو علم، معنایی متفاوت دارد. صدق و کذب در یکی از این علوم به معنای مطابقت یا عدم مطابقت با واقع و در دیگری مطابقت یا عدم مطابقت با عقیده است؛ حال اگر در این مطالعه، معنای مورد نظر ما از صدق و کذب مشخص نشود، نه تنها نتیجه مورد نظر به دست نمی‌آید، بلکه برخی از سوء تفاهم‌ها نیز پدیدار خواهد شد؛ و یا در صورتی که به دنبال مطالعه‌ای اسطوره‌شناختی در مورد برخی از داستان‌های قرآنی باشیم، در گام نخست با ارائه تفاوت معنوی اسطوره در قرآن^۱ و اصطلاح اسطوره در علم اسطوره‌شناسی^۲ باید تبیین کنیم که معنای به کار رفته از اسطوره در قرآن با علم اسطوره‌شناسی، دو موضوع متفاوت هستند و قرآن به دنبال نفی علم اسطوره‌شناسی نیست؛ در موضع اخیر، اگر در حوزه اصطلاحات، توضیحات کافی ارائه نشود، نوعی بی‌اعتمادی میان این دو پدید خواهد آمد؛ چنان که در واقع به دلیل شباهتی که در میان این دو اسم وجود دارد، محققان قرآنی برخاسته از عقاید کلامی خویش، روی خوشی به پیگیری اسطوره‌شناسی در داستان‌های قرآنی نشان نمی‌دهند و دلیل آن را نیز خوشایند ندانستن اسطوره در قرآن می‌دانند. طبیعی است در این وضعیت، به سبب تلقی

۱. واژه اسطوره با عنوان «اساطیرالاولین» در برخی از آیات همچون: الانعام/۲۵؛ الانفال/۳۱؛ النحل/۲۴؛ المومنون/۳۸ ذکر شده است.

۲. اسطوره به روایتی تمثیلی یا جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی به جهان‌شناسی یک قوم در راستای تفسیر خود از هستی اطلاق می‌شود (برای اطلاع بیشتر رک. وارنر، ۱۳۸۹: ۱/۱۵؛ رضائی، ۱۳۸۳: ۳۲؛ اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۱۳).





مبهمی که به دلیل یکسان بودن واژگان پدید آمده است، این بی‌اعتمادی رخ داده است و فارغ از سطح محتوا، اشکال‌ها ناظر بر الفاظ می‌باشند. همان‌گونه که دیده شد، اشتراک لفظی در بسیاری از موارد باعث ایجاد سوء تفاهم می‌شود، زیرا گاهی اوقات اشتراک لفظی دو موضوع در دو علم مجزا که کاربردی متفاوت نسبت به یکدیگر دارند، ممکن است به یک نوع تلقی انگاشته شده و باعث ایجاد برخی از سوء تفاهم‌ها شوند و حال آنکه این اشتراک‌ها صرفاً در ساحت لفظ محقق بوده و در حوزه کاربرد، تفاوت‌های فراوانی میان آنها وجود دارد. از این رو در مطالعات میان‌رشته‌ای علاوه بر اینکه باید بروز خطا در حیطه الفاظ و اصطلاح‌های به‌کاربرده شده را به حداقل رساند، به‌طور مشخص، باید برای مخاطبان نیز تعیین کرد که علاوه بر معنا، حد و حصر اصطلاح به‌کاربرده شده نیز تا چه حدی است.

اصراری که در این بخش بر وضوح اصطلاح‌ها وجود دارد ناشی از آن است که گاهی اوقات این اصطلاح‌های مشترک، ذهن مخاطب و حتی در بعضی مواقع محقق را به بیراهه می‌کشاند و تحقیق را در مسیری قرار می‌دهد که خلط میان واژگان واقع شود و در نتیجه تلاش محقق از اعتبار بیفتد. البته توضیح این نکته ضروری است که چنین خطاهایی معمولاً در مواقعی رخ می‌دهند که یک اسم مشترک در دو علم متفاوت و با دو کارکرد متفاوت به‌کار گرفته شود. راه حلی هم که در این زمینه و برای حل مشکل پیش‌گفته می‌توان پیشنهاد داد این است که تا حد امکان از به‌کارگیری واژگانی که در ذهن مخاطبان در زمینه موضوع مورد بحث، تثبیت شده‌اند و به محض شنیدن آن واژه، ذهن، جهت‌گیری‌های متعارف را می‌نماید خودداری کرده و به جای آن از واژه‌ای دیگر که حساسیت زیادی را نیز بر نمی‌انگیزد استفاده شود. برای نمونه در مثال مربوط به علم اسطوره‌شناسی با توجه به اینکه معانی مشخص و منفی از اسطوره در ذهن مخاطبان نقش بسته است، هنگام کاربرد این واژه از تعبیر مذکور استفاده نشود و به جای آن، اصطلاحی دیگر که معنایی معادل این اصطلاح را داشته باشد انتخاب شود. با توجه به تأثیر و تأثیری که واژگان در ایجاد مفاهیم و مفاهیم در ساخت معرفت به‌عهده دارند، در مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه قرآن نیز لازم است این امر را در نظر داشت که اصطلاحات به‌کاررفته در هر علمی به‌ویژه در مواردی که اشتراکی لفظی وجود دارد، با چه استعمالی مورد استفاده قرار گرفته است. زیرا گاهی به سبب اشتراک‌هایی که در ذهن خوانندگان و یا حتی محقق می‌تواند وجود داشته باشد، نوع تحقیق متأثر از نگاهی پیشینی می‌شود.

۲-۳. الزامات روش شناختی

روش، راه حلی است که برای پاسخ‌گویی به مسئله‌ای حل‌نشده‌ی یا ارائه افقی نوین از یک موضوع ارائه می‌شود (سیاسی، ۱۳۳۶: ۶۷). همان‌گونه که در علوم ریاضی انواع و اقسام معادلات گوناگون برای حل مسائل مختلف وجود دارد، سایر علوم نیز به تناسب مسائل و موضوعاتی که دارند، از مجموعه‌ای از روش‌ها تشکیل می‌شوند که در مواقعی ساده و گاهی پیچیده و چندبعدی می‌شوند (خلیلی شورینی، ۱۳۷۵: ۶۵-۶۴). گاهی اوقات برای رسیدن به پاسخ باید از یک روش خاص استفاده کرد اما به تناسب پیچیدگی‌هایی که در موضوعات پیش می‌آید، راه‌حل‌ها و روش‌های ارائه شده نیز پیچیده و گسترده می‌شوند. برای مثال، گاهی اوقات پزشک با یک بررسی مختصر بیمار متوجه بیماری وی می‌شود، اما در برخی از مواقع به سبب نامعلوم بودن بیماری، انواعی از آزمایش‌های پزشکی گرفته می‌شود تا صرفاً بیماری مشخص شود و در ضمن آن، درمان و معالجه بیماری مذکور یافت شود. پس همیشه نمی‌توان انتظار داشت که صرفاً با یک روش بتوان دست به حل موضوعات پیرامون زد، بلکه در بعضی از مواقع باید مجموعه‌ای از روش‌ها که گاه انحصار در یک رشته هم ندارند، مورد استفاده قرار گیرند؛ برای نمونه در مطالعات قرآنی، ریشه‌شناسی^۱ واژگان از این حالت برخوردار است و برای یافتن مسائل مربوط به آن، شاخه‌های گسترده‌ای از رشته‌های تاریخ، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند (جفری، ۱۳۷۲: ۶).

بخش عمده تلاش میان رشته‌ای یک محقق، معمولاً در سطح روش به کارگرفته شده در یک موضوع نمودار می‌شود. تفاوت عمده روش با مباحث معرفتی در آن است که آنچه در مسیر رسیدن به یک راه حل طی می‌شود، جنبه طریقت دارد و اصل راه حل به خودی خود موضوعیتی ندارد؛ در حالی که مسائل معرفت‌شناختی، مسیری متفاوت با این امر دارند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۷۳-۴۳؛ نوالی، ۱۳۱۲: ۳۹-۳۷). در مطالعات میان رشته‌ای ارتباطی وثیق با روش وجود دارد، زیرا مجموعه روش‌هایی که به صورت متفرق در علوم مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند، مبتنی بر رویکرد میان رشته‌ای، باید در مطالعه‌ای به غیر از حوزه مطالعاتی خود مورد استفاده قرار گیرد. البته در این میان، پرداختن به مطالعات قرآنی به سبب حساسیت‌هایی که در سطح اعتقادات کلامی مسلمان دارد، لازم است از الزاماتی خاص در حوزه روش برخوردار باشد که در ادامه به بخشی از این الزامات پرداخته خواهد شد.

1. Etymology



۱-۲. پابندی به قواعد عام روش تحقیق و اجرای صحیح آن

قرن نوزدهم دوره‌ای اثرگذار در تاریخ علم محسوب می‌شود (یر، ۱۳۷۱: ۲۳۵). در این دوران استنتاج‌های علمی از حالت فردی به حالت جمعی تبدیل شد و زبان مشترکی به نام «روش» پدید آمد. این زبان مشترک به افراد اجازه می‌داد که یافته‌ها و کشفیات یکدیگر را ارزیابی کنند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۲۲). بدون این اشتراک علمی، بسیاری از مواردی که دانشمندان اول آنها را تجربه کرده‌اند، دانشمندان دوم یا باید از نو تجربه کنند یا بدون دلیل و بدون آنکه روش کار او را در این زمینه بدانند، اعتماد کنند. تمام روش‌ها فارغ از اینکه در چه رشته‌ای مورد استفاده قرار گیرند، ملزم به رعایت شاخص‌هایی منطقی و علمی هستند (خلیلی شورینی، ۱۳۷۵: ۲۹-۲۶). این شاخص‌ها و ویژگی‌ها کمک می‌کنند تا روش به کاررفته، مورد اطمینان قرار گرفته و امکان نقد آن فراهم باشد. برای مثال وضوح، مسئله‌داشتن، تعیین ابعاد مورد مطالعه، هدفمند بودن، برخورداری از دقت و ریزبینی‌های علمی و همچنین ارائه مستدل و مستند نتایج، از جمله مسائلی هستند که به خوبی باید مورد توجه این سنخ از مطالعات قرار گیرند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۱)؛ ولی همه این موارد قواعدی لازم‌الاجرا هستند که باید در تمام روش‌ها مدنظر قرار گیرند؛ اما هنگامی که مضاف‌الیه قرآن در یک تحقیق به میان می‌آید، یک سری از دقت‌های روش‌شناختی به صورت مخصوص از اهمیتی قابل توجه برخوردار می‌شوند که مقبولیت روش در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است. از آنجاکه همه روش‌ها مورد قبول نیستند، در دایره انتخاب روش برخی از شایستگی‌های مورد نیاز بایستی احراز شود.

در سنجش و انتخاب یک روش، وجود شاخص‌هایی مانند نشئت نگرفتن از ایدئولوژی‌های شخصی و گروهی، متروک نبودن به دلیل گذر زمان، و مطابقت با نیاز و موضوع تحقیق سهمی بسزا دارند. برای مثال برخی از روش‌ها مبتنی بر پذیرش ناخواسته پیش شرط‌هایی است که به سبب همدلی با دریافت‌های یک فرد یا گروه وضع شده است؛ ویژگی این روش‌ها به دلیل اقتضائات شکلی و محتوایی به گونه‌ای است که در خارج از آن نظام قابل نقد نیست و فقط در داخل آن نظام فکری قابل تبیین و توضیح است. بالطبع این گونه روش‌ها قابلیت استفاده عمومی را ندارند و صرفاً برای گروهی که دست به وضع آن زده‌اند، قابل بهره‌برداری هستند. اشکال‌هایی که عالمان قرآن‌پژوه به گونه‌های مختلف روش‌های تفسیری نسبت می‌دهند، در حقیقت نمونه‌ای نزدیک به این موضوع است که می‌توان به آن اشاره کرد؛ برای مثال نوع نگرش و روشی که عارفان در تفسیر قرآن و تبیین موضوعاتی چون وحدت وجود پیش رو قرار می‌دهند، قابل پذیرش



همگان نیست، زیرا روش کشف و شهود صرفاً استنباطی شخصی و غیرقابل ارجاع است؛ به همین دلیل چنین روشی قابلیت پذیرش عمومی را ندارد و تنها برای اهل عرفان قابل اعتماد است.

در حوزه مقبولیت روش، بعضی از روش‌ها نیز وجود دارند که از سوی یک مکتب، توصیه و از سوی مکتب دیگر رد می‌شوند، این نوع روش‌ها نیز اساساً قابل نقد هستند و امکان بهره‌برداری، مفید بودن و یا مضر بودن آن مشخص نیست و به همین دلیل، پیش از استفاده از آن بایستی خاستگاه و مبدأ فکری آن مورد جستجو قرار گیرد و تا کسب اطمینان لازم، مورد استفاده قرار نگیرند. از سوی دیگر، روش‌های فراوانی وجود دارند که در حوزه یک علم و در دوره مشخصی از تاریخ علم، از مقبولیت عام برخوردار بوده‌اند، اما پس از گذشت دوره‌ای از تاریخ به سبب پیشرفت علم و پیدا شدن برخی از نواقص این روش از یک سو، و ایجاد روش‌های کامل‌تر از سوی دیگر، کارایی خود را از دست می‌دهند. همچنین در پذیرش یک روش باید در نظر داشت که روش برگزیده، الزاماً باید متناسب با کارکردی که دارد در حوزه متناسب با خود استفاده شود، نه بیرون از آن؛ برای مثال، روش‌های موجود در علم زبان‌شناسی، اختصاص به سنخی از پژوهش‌ها دارد که با زبان سروکار دارند و مطالعه درباره واژگان، گفتارها و نوشتارها است؛ مسلماً روش‌هایی که در این علم وجود دارند نباید در پژوهش‌های مربوط به نجوم و افلاک که هیچ ارتباطی با این علم ندارند مورد استفاده قرار گیرند و اساساً اگر مورد استفاده نیز قرار گیرند، ثمره خاصی نیز پدید نخواهد آمد.

پس از انتخاب روش مدنظر بر اساس احراز شرایط مقبولیت، مهم‌ترین گامی که باید برداشته شود مربوط به چگونگی اجرای روش انتخاب شده است. در صورتی که روش از مقبولیت و تناسب لازم برخوردار باشد اما به درستی اجرا نشود، نتیجه نیز به خوبی تبیین نخواهد شد (خلیلی شورینی، ۱۳۷۵: ۱۴۶-۱۴۴). روش به مثابه اختراعی است که سازنده آن به دنبال ارائه صحیح راه حل دستیابی به نتیجه است، به همین دلیل، پیشاپیش کاستی‌هایی که به ذهنش می‌رسیده را با ارائه یک روند به نحوی که تداخلی با این سنخ از مشکلات پدید نیاید، ترسیم کرده است. طبیعی است که اگر از روند تعریف شده خارج شود، کاستی‌هایی که ارائه‌دهنده روش، سعی در مصونیت تحقیق از آنها را داشته است، پدید خواهد آمد. علاوه بر این، ادعای استفاده از روش آن است که امکان دستیابی به نتایج مطلوب از ساختار مدنظر قابل تحقق است، حال اگر از این ساختار عدول شود، خود، نقض غرض محسوب می‌شود و امکان نقد از بین می‌رود.



۲-۳-۲. تعامل متعادل قرآن، علم مورد مطالعه و روش‌شناسی آن

اگر در مطالعه میان‌رشته‌ای، قرآن در یک سرطیف و علمی که بر مبنای آن قرار است تحقیق انجام شود، در سر دیگر طیف قرار داشته باشد، پژوهشگر و نوع روش به کارگرفته شده نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج به دست آمده خواهند داشت. شایسته است پژوهشگر تسلط کافی و لازم را در حوزه قرآن و علم مورد مطالعه خود داشته باشد و از سوی دیگر، روش به کارگرفته شده نیز باید از ظرفیت و پویایی لازم برخوردار باشد.

روش‌های یک علم به مثابه ابزاری هستند که محقق را در حل مشکلات خود یاری می‌رسانند؛ اگر درک درستی از نحوه به‌کارگیری ابزار و شرایط استفاده از آن به دست نیاید، ممکن است ابزار در جایی مورد استفاده قرار گیرد که در برابر نیاز مطرح شده، پاسخ عکس بدهد. به همین دلیل، شناخت صحیح روش، نوع آن و حوزه‌های کاربردی‌اش برای ورود آن به مطالعات میان‌رشته‌ای حوزه قرآن بسیار لازم و اساسی است و بدون درک این آثار، امکان خطا در نتایج تولید شده وجود دارد. درک درست و برخوردار از تخصص لازم در دو طیفی که درگیر مطالعه میان‌رشته‌ای در حوزه قرآن هستند، امری ضروری است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه در این نوع تحقیقات متن مقدسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که اعتقادات همه مسلمانان با آن گره خورده است. در صورتی که تخصص و تسلط لازم در هر کدام از این دو سو وجود نداشته باشد، آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر پدید خواهد آمد و اسباب بی‌اعتمادی عالمان و عامه مسلمانان را به این نوع نگرش فراهم می‌کند. برای نمونه در برخی از پژوهش‌های انجام شده درباره هرمنوتیک کتاب مقدس، شاهد این نابسامانی‌های روش‌شناختی به سبب عدم تسلط لازم بر حوزه مطالعاتی مربوط می‌باشیم. نتیجه این تحقیقات ناقص، موجب سلب اعتماد محققان و عامه مردم شده است و علم هرمنوتیک با توجه به پیامدهایی که از این آثار ناقص پدید آمده است، به عنوان علمی مذموم شناخته می‌شود؛ حال آنکه هرمنوتیک، رشته‌ای نوپدید و ناشناخته به‌ویژه در میان مسلمانان نیست و حتی در مطالعات تفسیری و اصولی نیز قابل مشاهده است (واعظی، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۲) و بخش عمده سوء تفاهم‌های ایجاد شده نتیجه پژوهش‌های ناقص، مغرضانه و ضعیفی است که در این حوزه ارائه شده است؛ البته نباید فراموش کرد که برخی از گرایش‌های افراطی نیز در این شاخه علمی وجود دارد که قابل نقد بوده و به‌هیچ‌وجه در سنت اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است.



۳-۲-۳. تسلط بر قواعد پژوهش در قرآن

همواره کسانی که مشغول مطالعه‌ای میان رشته‌ای در زمینه قرآن کریم می‌باشند، افرادی متخصص در این حوزه نیستند، زیرا چه بسا به سبب موضوعی که برای پژوهش خود انتخاب کرده‌اند، ناگزیر، درگیر کار با قرآن شوند، هرچند با لوازم کار با قرآن نیز آشنایی لازم را نداشته باشند. نمونه بارز چنین عملکردی را در تحقیقات مستشرقان به خوبی می‌توان مشاهده کرد و اساساً برخی از تحقیقات ایشان به همین دلیل، مغرضانه تلقی می‌شود. آشنایی کامل با علوم قرآنی در کنار تسلط بر تمام آنچه یک مفسر به آن نیازمند است، برای افرادی که علاقمند به تحقیق میان رشته‌ای در قرآن هستند، امری ضروری است؛ زیرا در پرتو این شناخت، پژوهش میان رشته‌ای از نتیجه‌گیری‌های غلط در امان می‌ماند. برای مثال عام و خاص، مجمل و مبین، محکم و متشابه، استعاره و مجاز و همچنین توجه به سیاق آیات و همچنین بافت نزول، مسائل مهمی هستند که در مواجهه با آیات باید مدنظر قرار گیرند. بی‌توجهی به هر کدام از این مسائل، امکان قرار گرفتن در روندی اشتباه را موجب می‌شود (یدالله پور، ۱۳۸۳: ۱۶). برای نمونه هنگامی که محقق سعی در دسته‌بندی یک سری از آیات در زمینه موضوعی خاص را داشته باشد، باید در تقسیم‌بندی خود چارچوب‌های موجود در سیاق آیات را مدنظر قرار دهد، زیرا با تغییر سیاق، احتمال تغییر معنا نیز وجود دارد. توجه به یک آیه با صرف نظر از آیات قبل و بعد و هدف کلی سوره، نتایج نامطلوب را به دنبال دارد (مسلم، ۱۴۲۶ق: ۵۸). علاوه بر این، از فضای تاریخی و زمان و مکان نزول نیز نباید غافل بود. برای نمونه در سوره‌های مکی، واژه زکات را برخی از مفسران انفاق معنا می‌کنند (طباطبایی، ج ۶، ۱۴۱۷ق: ۱۱-۱۰) اما در سوره‌های مدنی این واژه به معنای مالیات خاص اسلامی است.

۳-۲-۴. فهم و تفسیر صحیح از آیات قرآن

فهم صحیح قرآن همواره در برابر پاره‌ای از چالش‌ها قرار دارد که پرهیز از آنها ضروری است. تفسیر به رأی و تحمیل عقاید شخصی به قرآن یکی از برجسته‌ترین مسائلی است که در این زمینه دارای اهمیت است. بسیاری از تفکراتی که از ایدئولوژی خاصی پیروی می‌کنند، با سوگیری‌های خود، روش‌هایی را به کار می‌برند که نتایج مطلوبشان را به دست آورند، تا این‌گونه با تأیید نظریات خود، درستی جهان بینی خویش را اعلام کنند؛ تفسیر به رأی، تفسیری مخالف اقتضائات قرآنی است و به مثابه انحرافی پایه‌ای در تفسیر قرآن محسوب می‌شود، زیرا در این فرایند، محقق با مغلطه و سوءاستفاده از آیات، سخنی غیرواقع را به خدا نسبت می‌دهد و به صورت مستقل تفسیر خود





از آیات را بیان می‌کند. (طباطبایی، ج ۳، ۱۴۱۷ق: ۷۷-۷۶) به همین دلیل، لازم است محققان به صورت جدی از افتادن در این ورطه پرهیز کنند. در همین راستا و از جمله محذوریت‌هایی که به ویژه در هنگام ورود شاخه‌های علوم تجربی به عنوان مضاف‌الیه تحقیقات میان‌رشته‌ای در حوزه قرآن به میان می‌آیند، این است که علاوه بر شناخت لازم و کافی محقق از علوم تجربی، سخنان وی نیز نباید با نص یا ظاهر قرآن ناسازگار باشد و از نسبت دادن نتایج آنها به قرآن تا زمانی که به پاسخی قطعی نرسیده‌اند، خودداری کنند (رضائی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۷-۲۳). آخرین محذوریت عمده‌ای که در این میان قابل ذکر است، توجه به مسئله هدایت به عنوان هدف اصلی نزول قرآن است. پژوهش میان‌رشته‌ای و بالطبع روش‌هایی که در آن به کار گرفته می‌شود، بایستی همراه با این هدف اصلی پیش روند و درحقیقت با جستجوهای خود شرایط را برای فهم آیات قرآن و در نتیجه قرار گرفتن در وادی هدایت تسهیل کنند.

نتیجه‌گیری

رابطه علم کلام با مبانی دینی، الزامات خاصی را در پژوهش‌های مرتبط با منابع دینی پیش‌رو قرار می‌دهد. این الزامات به مثابه چارچوب‌هایی هستند که نتیجه توجه به آنها، تسری روح و معنای دین در پژوهش‌های مرتبط با منابع دینی است. امروزه با توجه به رشد و گسترش سریع علم، هر لحظه با پرسش‌ها و حوزه‌های مختلف و جدیدی مواجه می‌شویم که دنیای علم را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهند.

هر رویکردی با توجه به جدید بودن، جاذبه فراوانی نیز برای جلب نظر و استفاده توسط پژوهشگران پدید می‌آورد؛ اما در زمینه استفاده از این حوزه‌ها و فضاهای علمی باید نگاهی محتاطانه داشت. از یک سو نباید به دنبال نفی کلی آنها باشیم و از سوی دیگر نیز باید از پذیرش عجولانه آنها خودداری کرد، زیرا حساسیت متن مقدسی که در پیش‌روی این تحقیق‌ها قرار گرفته است، بسیار بالا است و کوچک‌ترین خطا در سطح عقاید مردم، آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر را وارد می‌کند به همین دلیل انجام واکنشی صحیح در این میان نقشی مهم دارد. در این راستا و برای فهم میزان مطابقت یا عدم مطابقت داده‌های علمی با حوزه‌های عقیدتی در گام نخست باید شناختی کامل و جامع از حوزه علمی مدنظر صورت گرفته و ماهیت، شیوه کار و همچنین فلسفه علم آن، مورد مطالعه قرار گیرد. در گام دوم به ویژه در مواردی که تحقیقات انجام شده بر روی منابع دینی باشد، ضروری است که الزامات کلامی لازم برای پژوهشگران مشخص شود تا

مطابق با قواعد خاص حاکم بر متون دینی اقدام مناسب نیز انجام شود. این الزامات کلامی را می‌توان در سه سطح معرفت‌شناسی، اصطلاح‌شناسی و روش‌شناسی پی‌جویی کرد. در سطح معرفت‌شناسی بخش عمده الزامات ناظر بر آن است که اعتقادات اصیل اسلامی درباره قرآن، محور تحقیقات قرار گیرد و محقق بی‌محابا و از روی تقلید از پژوهش‌های غربی بدون شناخت پیشینه و پیش‌فرض‌های تحقیق خود دست به پژوهش نزنند. در سطح اصطلاح‌شناسی و پس از گذر از مرحله نخست، بخش عمده الزامات، به یکسان‌سازی ادبیات قرآن با علمی که به عنوان میان‌رشته سعی در تبیین آیات دارد، مربوط می‌شود؛ در این بخش باید با توجه به تحقیقی که در حال انجام است، اصطلاحاتی وضع شود که مقصود را به خوبی انتقال داده و به سبب اشتراک در الفاظ، ذهن را با تشویش و ابهام در معنا همراه نکند. و در نهایت در حوزه روش نیز علاوه بر اینکه لازم است قواعد عام روش تحقیق لحاظ شود، باید شناختی جامع از روش علمی که نقش میان‌رشته را ایفا می‌کند و همچنین الزامات مربوط به قرآن صورت گیرد تا تحقیق در مسیر صحیح خویش حرکت کند.



منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۰ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابوزید، نصر حامد (۲۰۰۷م). نقد الخطاب الدینی. بیروت: مرکز الثقافی العربی.
۱. رنان، کالین (۱۳۶۶). تاریخ علم کمبریج (ترجمه: حسن افشار). تهران: نشر مرکز.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷). اسطوره بیان نمادین. تهران: سروش.
- افشارپور، سیاوش؛ عزیزی، ابوطالب (۱۳۸۹). سکولاریسم و مبانی نظری آن. شیراز: گروه آموزشی علوم اجتماعی.
- ایمان، محمد تقی؛ کلاته ساداتی، احمد (۱۳۸۹). جستاری در جهان بینی و علم. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱(۴)، ۷.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۰). باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۹). روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث. تهران: انجمن علمی- دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). روش تحقیق عمومی با رویکرد علوم انسانی- اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲). روش شناسی تاریخ. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جعفریان، رسول و شریفی، محمود (۱۳۸۲). افسانه تحریف قرآن. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- جفری، آرتور (۱۳۷۲). واژه های دخیل در قرآن (ترجمه: فریدون بدره ای). تهران: توس.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن در قرآن. قم: اسراء.
- حسینی بهشتی، ملوک السادات (۱۳۹۲). ساخت واژه، اصطلاح شناسی و مهندسی دانش. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۷۵). روش های تحقیق در علوم انسانی. بی جا: مؤسسه انتشارات یادواره کتاب.
- خوئی، ابوالقاسم (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دامن پاک مقدم، ناهید (۱۳۸۰). بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن. تهران: نشر تاریخ و فرهنگ.
- درزی، قاسم و همکاران (۱۳۹۲). گونه شناسی مطالعات میان رشته ای در قرآن کریم. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۵(۴)، ۱۰۲-۷۳.





- رجبی، فاطمه (۱۳۷۵). *لبیر الیسیم*. بی جا: کتاب صبح.
- رجبی، محمود (۱۳۸۳). *روش تفسیر قرآن*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۵). *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*. قم: اسوه.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲). *درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸). *روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن*. اندیشه دینی، ۳۲، ۱۲۷-۱۲۸.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۳). *آفرینش و مرگ در اساطیر*. تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- رضوان، عمر بن ابراهیم (۱۴۱۳ق). *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره*. ریاض: دارالطیبه.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. بی جا: بی نا.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- رولاند، اس. (۱۳۸۷). *میان‌رشتگی*. دز: مجموعه مقالات مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای (ترجمه مجید کرمی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سارتون، جورج (۱۳۴۶). *تاریخ علم* (ترجمه: احمد آرام). تهران: امیرکبیر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷). *راهنمای حقیقت*. تهران: نشر مشعر.
- سیزواری، محمد (۱۴۰۶ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دارالتعاریف.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۷۹). *علوم قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۳). *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۳۶). *منطق و روش‌شناسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- سیدرضی، محمد (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۶). *نقدی بر دین‌پژوهی فلسفه معاصر*. تهران: امید فردا.
- صدر، محمدباقر (۱۹۷۸م). *دروس فی علم الاصول*. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۷). *گفتمان میان‌رشته‌ای دانش*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱(۴)، ۵۷-۸۳.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۱ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۳). قرآن در اسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عبدالرحمن، عبدالهادی (۱۹۹۳م). سلطه النص. بیروت: مرکز الثقافی العربی.

عسکری، سیدمرتضی (۱۳۸۲). نقش ائمه در احیای دین. تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر.

علوی مهر، حسین (۱۳۸۴). آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران: مطبعة العلمیه.

فتح‌الهی، ابراهیم (۱۳۹۰). متدولوژی علوم قرآنی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

فغفورمغربی، حمید (۱۳۸۶). رابطه گزاره‌های قرآنی و گزاره‌های علمی. دوفصلنامه قرآن و علم، ۱، ۶۰-۳۵.

فلبر، هلموت (۱۳۸۳). اصطلاح‌شناسی و مهندسی دانش (ترجمه: علی مهرامی). نامه فرهنگستان، ۳(۲۳)، ۱۹۹.

فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.

فراملکی، احدفرامرز (۱۳۹۰). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

قیطوری، عامر (۱۳۸۲). قرآن، ساخت شکنی و بازگشت نشانه. قم: کتاب طه.

کاسترونوو، راس (۱۳۸۷). در پناه دانش میان‌رشته‌ای: جفرسون، دوبویس و نفی سیاست. در مجموعه مقالات چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای (ترجمه: مهدی رحمانی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

کاوه، محمد (۱۳۸۹). عصمت کرداری نبی و گستره آن در قرآن و عهدین. فصلنامه علوم اسلامی، ۵(۱۸)، ۱۰۱-۱۲۴.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۰). روش‌های تفسیر قرآن. قم: اشراق.

مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۱). نقادی بر قرائت رسمی از دین (بحران‌ها، چالش‌ها، راه‌حل‌ها). تهران: طرح نو.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش در روش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی). تهران: جامعه‌شناسان.

مسلم، مصطفی (۱۴۲۶ق). مباحث فی التفسیر الموضوعی. دمشق: دارالعلم.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). قرآن‌شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

معرفت، هادی (۱۳۸۲). تاریخ قرآن. تهران: سمت.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرباقری، سید مهدی (۱۳۸۷). جهت داری علوم از منظر معرفت شناختی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نعمتی بیرعلی، دل آرا (۱۳۹۱). تطبیق انگاره وحی در عهدین و قرآن کریم. الهیات تطبیقی، (۷)، ۱۱۴-۱۰۱.
- نوالی، محمود (۱۳۱۲). فلسفه علم و متدولوژی. تبریز: دانشگاه تبریز.
- نوروزی، محمد جواد (۱۳۷۶). مبانی فکری سکولاریسم. فصلنامه معرفت، ۲۲، ۳۴-۲۲.
- نوروزی، محمد جواد (۱۳۹۱). دست در دست صبح. قم: دفتر نشر معارف.
- وارنر، رکس (۱۳۸۹). دانشنامه اساطیر جهان. تهران: اسطوره.
- واعظی، احمد (۱۳۹۰). نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- واعظی، احمد (۱۳۸۰). درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ونک، دومینیک (۱۳۸۸). کاربردهای میان رشته‌گی تحولات علوم، صنعت و آموزش (ترجمه: توحیده ملاباشی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷). مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم. قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.

- هاشمی، سیدعلی (۱۳۸۵). پرسمان قرآنی نبوت. قم: بوستان کتاب.
- یدالله پور، بهروز (۱۳۸۳). مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن. قم: دارالعلم.
- یر، دامپی (۱۳۷۱). تاریخ علم (ترجمه: عبدالحسین آذرنگ). تهران: سمت.
- یعقوب‌نژاد، محمد هادی (۱۳۹۳). سازمان دهی علوم انسانی اسلامی، نیازی میان رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای علوم انسانی، ۶(۲)، ۱۳۷-۱۱۱.

Bruun, H., et al (2005). *Promoting Interdisciplinary Research: Case of the Academy of Finland*. Academy of Finland, Helsinki.

Rowland, S. (2002). Interdisciplinarity as a site of contestation. Paper presented at the annual conference of the British Education Research Association, University of Exeter.



Theological Requirements for Interdisciplinary Research on the Qur'an Based on Epistemology, Terminology and Methodology

Hossein Shojaei¹, Abbas Musallaipour², Sajjad Asadbeygi³

Received: Jul. 11, 2015; Accepted: Nov. 30, 2015

Abstract

The direct bond between the Qur'an and Muslims' beliefs is one of the important factors, considered to result in a kind of exclusivism in conducting research on the Qur'an on the part of religious scholars in the Islamic tradition of studying the Qur'an. Due to this kind of control, there has always been a restriction as to how the Qur'an must be approached. Thus, the results of these studies have been mainly in accordance with the Islamic beliefs and principles, because the researchers have already been fully familiar with Islam, Islamic theology and the Qur'an. But by the virtue of the changes and developments occurring in science and research and the emergence of interdisciplinary studies and also to avoid exclusivism, a larger number of researchers currently engage in Qur'anic studies. Considering the inevitability of this climate, the sensitivity of research on the Qur'an and necessity of preventing mistakes in this field, it is of great importance to identify theological requirements for Qur'anic study in various fields of research. This article, by focusing on the theological requirements for interdisciplinary research on the Qur'an and using library method, tries to introduce the requirements for this type of research at three levels of epistemology, terminology and methodology so as to develop a proper outline for such research and thus alleviate worries about the results of interdisciplinary Qur'anic studies.

Keywords: theological requirements for Qur'anic studies, interdisciplinary studies, the Qur'an, epistemology, terminology, methodology.

1. MA Student of Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University (Corresponding Author). shojaehosein030@gmail.com

2. Associate Professor of Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University. amusallai@isu.ac.ir

3. MA Student of Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University. s.asadbeygi@yahoo.com



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

5

Vol.7

No.4

Autumn 2015

Bibliography

Qorān Karim.

Abd Al-rahm(ā)n, 'A. (1993). *Soltah(t) al-nas*. Beyrut: Markaz Al-Saqāfi Al-'Arabi.

Abuzeyd, N. H. (2007). *Naqd al-xatāb al-dini*. Beyrut: Markaz Al-Saqāfi Al-'Arabi.

Afšār Pur, A. (1389/2010). *Sekulārism va mabāni-ye nazari-e ān*. Širāz: Goruh-e Āmuzeši-e 'Olum-e Ejtemā'i.

Alavi Mehr, H. (1384/2005). *Āšnāyi bā tārix-e tafsir va mofaserān*. Qom: Markaz-e Jahāni-e 'Olum-e Eslāmi.

Askari, S. M. (1382/2003). *Naqš-e a'emeh dar ehyā-ye din*. Tehran: Markaz-e Farhangi-e Entesārāt-e Monir.

Ayāši, M. (1380/2001). *Tafsir al-'ayāši*. Tehran: Matba'ah(t) Al-'Elmiyah.

Bi Āzār Širāzi, 'A. (1380/2001). *Bāstān šenāsi va joghrāfiyā-ye tārix-e qesas-e Qorān*. Tehran: Daftar-e Našr-e Farhang-e Eslāmi.

Bruun, H., et al (2005). Promoting Interdisciplinary Research: The Case of the Academy of Finland. Publications of the Academy of Finland.

Dāman Pāk Moqadam, N. (1380/2001). *Barresi-e nazariyeh-ye 'orfi budan-e zabān-e Qorān*. Tehran: Našr-e Tārix va Farhang.

Dampier, W. C. D. (1371/1992). *Tārix-e 'elm*. (Persian translation of A history of science and its relations with philosophy), translated by: Āzarang, 'A. Tehrān: Samt.

Darzi, Q., & et al. (1392/2013). Guneh šenāsi-e motāle'āt-e miyān rešteh-i dar Qorān-e Karim. *Motāle'āt-e miyān rešteh-i dar 'olum-e ensāni*, 5(4), 73-102.

Ebn Bābvayh, M. (1403/1982). *Ma'āni al-axbār*. Qom: Daftar-e Entesārāt-e Eslāmi.

Ebn Manzur, M. (1410/1989). *Lesān al-'arab*. Beyrut: Dār Sāder.

Esmā'il Pur, A. (1377/1998). *Ostureh-ye bayān-e namādin*. Tehran: Soruš.

Faghfur Maghrebi, H. (1386/2007). Rābeteh-ye gozāreh hā-ye Qorāni va gozāreh hā-ye 'elmi. *Dufaslnāme-ye Qorān va 'elm*, 1, 35-60.

Fath Alāhi, E. (1390/2011). Metoduluži-e 'olum-e qorāni. Tehran: Entesārāt-e Dānešgāh-e Emām Sādeq.

Felber, H. (1383/2004). Estelāh šenāsi va mohandesi-e dāneš. translated by: Mahrāmi, 'A. *Nāme-ye farhangestān*, 3(23), 199.

Feyz Kāšāni, M. (1415/1994). *Tafsir Al-Sāfi*. Tehran: Maktabah(t) Al-Sadr.

Hādavi Tehrani, M. (1377/1998). *Mabāni-e kalāmi-e ejtehad dar bardāšt az Qorān-e Karim*. Qom: Mu'aseseh-ye Farhangi-e Xāneh-ye Xerad.

Hāsemi, S. 'A. (1385 [2006 A.D]). *Porsemān-e qorāni-e nabovat*. Qom: Bustān-e ketāb.



- Hoseyni Behešti, M. (1392/2013). *Sāxtvažeh, Estelāh šenāsi va mohandesi-e dāneš*. Tehran: Pažuhešgāh-e 'Olum va Fanāvāri-e Eteleāt.
- Imān, M. T., & Sādāti, A. (1389/2010). Jastār-i dar jahān bini va 'elm. *Ma'refat-e farhangi ejtemā'i*, 1(4),7.
- Ja'fariyān: R., & Šarifi, M. (1382/2003). *Afsāneh-ye tahrif-e Qorān*. Tehran: Šerkat-e Čāp va Našr-e Beyn Al-Melal.
- Javādi Āmoli, 'A. (1388/2009). *Tafsir-e Muzu'i-e Qorān dar Qorān*. Qom: Asrā.
- Jeffery, A. (1372/1993). *Vāzeh hā-ye dāxil dar Qorān*. (Persian translation of The foreign vocabulary of the Quran), translated by: Badreh-i, F. Tehrān: Tus.
- Kāveh, M. (1389/2010). 'Esmat-e kerdāri-e nabi va gostareh-ye ān dar Qorān va 'ahdeyn. *'Olum-e Eslāmi*, 5(18), 101-124.
- Koleyni, M. (1407/1986). *Al-Kāfi*. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Eslāmiyah.
- Makārem Širāzi, N. (1378/1999). *Tafsir-e nemuneh*. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Eslāmiyah.
- Ma'refat, H. (1382/2003). *Tārix-e Qorān*. Tehran: Samt.
- Mesbāh Yazdi, M. T. (1380/2001). *Qorān šenāsi*. Qom: Mu'aseseh-ye Āmuzeši va Pažuheši Emām Xomeyni.
- Mirbāqeri, S. M. (1387/2008). *Jahat dāri-e 'olum az manzar-e ma'refat šenāxti*. Qom: Pažuhešgāh-e 'Olum va Farhang-e Eslāmi
- Mo'adab, S. R. (1380/2001). *Raveš hā-ye tafsir-e Qorān*. Qom: Ešrāq.
- Mohamad Pur, A. (1389/2010). *Raveš dar Raveš (darbāreh-ye sāxt-e ma'refat dar 'olum-e enšāni)*. Tehran: Jāmēeh šenāsān.
- Mojtahed Šabestari, M. (1381/2002). *Nagd-i bar qerāat-e rasmi az din (bohrān hā, čāleš hā, rāh hal hā)*. Tehran: Enteshārāt-e Tarh-e Nu.
- Moslem, M. (1426/2005). *Mabāhes fi al-tafsir al-muzu'i*. Damešq: Dar Al-Qalam.
- Navāli, M. (1312/1933). *Falsafeh-ye 'elm va metoduluži*. Tabriz: Dānešgāh-e Tabriz.
- Ne'mati Pir 'Ali, D. (1391/2012). Tatbiq-e engāreh-ye vahy dar 'ahdeyn va Qorān-e Karim. *Elāhiyāt-e tatbiqi*, 1(7), 101-114.
- Nuruzi, M. J. (1376/1997). Mabāni-e fekri-e Sekulārism. *Ma'refat*, 22, 22-34.
- Nuruzi, M. J. (1391/2012). *Dast dar Dast-e sobh*. Qom: Daftar-e Našr-e Ma'āref.
- Pākatči, A. (1389/2010). *Raveš-e tahqiq bā tekyeh bar huzeh-ye 'olum-e Qorān va hadis*. Tehran: Anjoman-e 'Elmi- Dānešjuyi-e Elāhiāt-e Dānešgāh-e Emām Sādeq.
- Pākatči, A. (1391/2012). *Raveš-e tahqiq-e 'omumi bā ruykard-e 'olum-e enāni- eslāmi*. Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Emām Sādeq.
- Pākatči, A. (1392/2013). *Raveš šenāsi-e tārix*. Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Emām Sādeq.





- Qarāmaleki, A. F. (1390/2011). *Raveš šenāsi-e motāle'āt-e dini*. Mašhad: Dānešgāh-e Eslāmi-e Razavi.
- Qeyturi, 'A. (1382/2003). *Qorān, sāxt šekani va bāzgašt-e nešāneh*. Qom: Ketāb-e T(ā)h(ā).
- Rajabi, F. (1375/1996). *Liberālism*. (S. L.). Ketāb-e Sobh.
- Rajabi, M. (1383/2004). *Raveš-e tafsir-e Qorān*. Qom: Pažuheškadeh-ye Huzeh va Dānešgāh.
- Rezāyi Esfahāni, M. 'A. (1375/1996). *Darāmadi bar tafsir-e 'elm-i Qorān*. Qom: Osveh.
- Rezāyi Esfahāni, M. 'A. (1382/2003). *Darsnāmeḥ-ye raveš hā va gerāyeš hā-ye tafsiri*. Qom: Markaz-e Jahāni-e 'Olum-e Eslāmi.
- Rezāyi Esfahāni, M. 'A. (1387/2009). *Tafsir-e Qorān-e mehr*. Qom: Pažuheš hā-ye Tafsir va 'Olum-e Qorāni.
- Rezāyi Esfahāni, M. 'A. (1388/2009). *Raveš šenāsi-e motāle'āt-e miyān rešteh-i dar tafsir-e Qorān*. *Andiṣeh-ye dini*, 32, 127-128.
- Rezāyi, M. (1383/2004). *Āfarineš va marg dar asātir*. Tehran: Markaz-e Beyn Al-Melali-e Goftogu-ye Tamadon hā.
- Rezvān, 'O. (1413/1992). *Ārā' al-mostašreḡin hul Al-Qorān Al-Karim va tafsirah*. Riyāz: Dār Al-Tayebah.
- Ronan, C. (1366/1987). *Tārix-e 'elm-e Kambrij*. (Persian translation of The Cambridge illustrated history of the world's science), translated by: Afšār, H. Tehrān: Našr-e Markaz.
- Rowland, S. (2002). *Interdisciplinarity as a site of contestation*. Paper presented at the annual conference of the British Education Research Association, University of Exeter.
- Sabzevāri, M. (1406/1985). *Al-jadid fi tafsir Al-Qorān Al-Majid*. Beirut: Dār Al-Ta'ārif.
- Sādeqi Tehrani, M. (1386/2007). *Naqdi bar din pažuhi-e falsafeh-ye mo'āser*. Tehran: Omid-e Fardā.
- Sadr, M. B. (1978). *Dorus fi 'elm al-osul*. Beirut:
- Safār, M. (1404/1983). *Basāer al-darajāt fi fazāel-e āl-e Mohamad (Sali Alah-o 'Alayhem)*. Qom: Maktabah Āyah(t) Alah Al-Mar'aši Al-Najafi.
- Sa'idi Rušan, M. B. (1379/2000). *'Olum-e Qorān*. Qom: Mu'aseseh-ye Āmuzeši va Pažuheši-e Emām Xomeyni.
- Sa'idi Rušan, M. B. (1383/2004). *Tahlil-e zabān-e Qorān va raves šenāsi-e fahm-e ān*. Tehran: Pažuhešgāh-e Farhang va Andiṣeh-ye Eslāmi.
- Sarton, G. (1346/1967). *Tārix-e 'elm*. (Persian translation of A History of science: Ancient science through the golden age of Greece), translated by: Ārām, A. Tehrān: Amirkabir.

- Seyed Razi, M. (1414/1993). *Nahj Al-Balāgheh*. Qom: Hejrat.
- Siyāsi, 'A. A. (1336/1957). *Manteq va raveš šenāsi*. Tehran: Dānešgāh-e Tehran.
- Sobhāni, J. (1387/2008). *Rāhnamā-ye haqiqat*. Tehran: Našr-e Maš'ar.
- Tabātabā'i, S. M. H. (1353/1974). *Qorān dar Eslām*. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Eslāmiyah.
- Tabātabā'i, S. M. H. (1411/1990). *Al-Mizān fi tafsir Al-Qorān*. Qom: Daftar-e Entesārāt-e Eslāmi-e Jāme'eh-ye Modaresin-e Huzeh-ye 'Elmiyeh-ye Qom.
- Vā'ezi, A. (1380/2001). *Darāmadi bar hermenutik*. Tehran: Pažuhešgāh-e Farhang va Andišeh-ye Eslāmi.
- Vā'ezi, A. (1390/2011). *Nazariyeh-ye tafsir-e matn*. Qom: Pažuhešgāh-e Huzeh va Dānešgāh.
- Vinck, D. (1388/2009). *Kārbord hā-ye miyān rešteh-gie tahavolāt-e 'olum, san'at va āmuzeš*. (Persian translation of A history of Pratiques de linterdiscip linarite), translated by: Molābāši, T. Tehrān: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i.
- Warner, R. (1389/2010). *Dānešnāmeḥ-ye asātir-e jahān*. (Persian translation of Encyclopedia of world mythology), translated by: Esmā'il Pur, A. Tehrān: Ostureh.
- Xalili Šurini, S. (1375/1996). *Raveš-e tahqiq dar 'olum-e enāni*. (S. L.). Mu'aseseh-ye Entesārāt-e Yādvāreh-ye Ketāb.
- Xorsandi Tāskuh, 'A. (1387/2008). *Goftmān-e miyān rešteh-ie dāneš*. Tehrān: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i.
- Xorsandi Tāskuh, 'A. (1388/2009). Tanavo'-e guneh šenāxti dar āmuzeš va pažuheš-e miyān rešteh-i. *Motāle'āt-e miyān rešteh-i dar 'olum-e ensāni*, 1(4), 57-83.
- Xuyi, A. (N. D.). *Al-Bayān fi tafsir Al-Qorān*. Qom: Mu'aseseh-ye Ehyā'e Āsār Al-Emām Al-Xuyi.
- Yad Alāh Pur, B. (1383/2004). *Mabāni va seyr-e tārixi-e tafsir-e muzu'i-e Qorān*. Qom: Dar Al-'Elm
- Ya'qub Nežād, M. H. (1393/2014). Sāzmāndeḥi-e 'olum-e ensāni eslāmi; niyāzi miyān rešteh-i. *Motāle'āt-e miyān rešteh-i dar 'olum-e ensāni*, 6(2), 111-137.
- Zarkeši, M. (1410/1989). *Al-Borhān fi 'olum Al-Qorān*. Beyrut: Dār Al-Ma'refah.
- Zarqāni, M. (N. D.). *Manāḥel al-'erfān fi 'olum Al-Qorān*. (S. L.). (S. N.)

